



مجموعه

# 100 نفر

## The Hundred

کاس مورگان • بهنام حاجی زاده

جلد چهارم: شورش



نشر بازار

## فصل ۱

### کلارک

با وزیدن بادی در محوطه‌ی باز که برگ‌های قرمز و طلایی کماکان چسبیده به درختان را به خش‌خش درآورد، کلارک به خودش لرزید. کسی یواش صدا زد: «کلارک.» صدایی بود که از موقع رسیدن به زمین بی‌شمار بار آن را خیال کرده بود. آن را در نهر روان شنیده بود. آن را در ناله‌ی شاخه‌ها شنیده بود. بیش از همه آن را در باد می‌شنید.

اما دیگر لازم نبود به خودش بگوید که چنین چیزی ناممکن است. گرما در سینه‌ی کلارک پخش شد، رویش را چرخاند و مادرش را دید که با سبیدی پر از سیب باغستان زمینی‌زادگان، به سمتش می‌آید.

«از این‌ها چشیدی؟ محشرن!» ماری گریفین سبد را روی یکی از میزهای چوبی بلند گذاشت، سببی برداشت و انداخت برای کلارک. «بعد از سیصد سال مهندسی ژنتیک، در کلونی به چیزی مثل این حتی نزدیک هم نشدیم.»

کلارک لبخند زد، گازی کند و به گوشه‌وکنار اردوگاه پرهیاهو نگاه انداخت. همه‌طرف‌شان کلونی‌نشینان و زمینی‌زادگان شاد و خندان برای اولین جشن مشترک‌شان آماده می‌شدند. در دستان فلیکس و دوست‌پسرش، اریک، ظرف‌های بزرگی پر از سبزیجاتی بود که در مزارع زمینی‌زادگان می‌روییدند و در آشپزخانه‌شان آن‌ها را آماده می‌کردند. دو